

به نام خدا



نوروز و مردم ایران زمین

گردآورندگان :

قربانعلی رضائی

بهادر رضائی



انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۵

سرشناسه: رضایی، قربانعلی، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور: نوروز و مردم ایران زمین قربانعلی رضائی، بهادر رضائی.
مشخصات نشر: مشهد ارسطو ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص. تصویر
شابک: ۰ - ۰۹۰ - ۴۳۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۷-۷۸.
موضوع: نوروز -- ایران
موضوع: Iran -- (Festival) Nawruz
موضوع: هفت سین
موضوع: *Haftsin
موضوع: هفت (عدد)
موضوع: Seven (The number)
شناسه افزوده: رضایی، بهادر، ۱۳۶۹ -
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ عر ۲/ آ ۴۸۷۴ GT
رده بندی دیویی: ۳۹۴/۲۶۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۱۰۱۷۳

نام کتاب: نوروز و مردم ایران زمین
مولفان: قربانعلی رضائی - بهادر رضائی
ناشر: ارسطو (چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵
چاپ: مهتاب
قیمت: ۷۵۰۰ تومان
شابک: ۰ - ۰۹۰ - ۴۳۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

بر چهره ی گل نسیم نوروز خوش است در صحن چمن روی دل افروز خوش است

نوروز و مردم ایران زمین

مطالبی پیرامون آغاز سال نو، جایگاه عدد هفت در بین مردم، چیدمان سفره ی هفت سین و اهدافی که در برنامه های آن مثل دید و بازدید، دوستی، مهر و محبت و روابط بین فرزندان و والدین وجود دارد. یادآوری آیین ها و باورهای نیاکان و گذشتگان و قرار دادن سنت های نیکو و خصال پسندیده شان در اختیار نسل جوان و نو اندیش امروز این مرز و بوم.

قربانعلی رضائی

دبیر بازنشسته آموزش و پرورش الیگودرز

مهر ماه ۱۳۹۴

به نام خدا

من ممکن است نتوانم این تاریکی را از بین ببرم ...
ولی با همین روشنایی کوچک فرق ظلمت و نور و حق و باطل را نشان می دهم ...
برای کسی که به دنبال نور است ، این نور هرچه قدر کوچک باشد در قلب او بزرگ
خواهد بود ...

حق و باطل را همه می شناسند ...

تمام سختی کار آنجاست که این دو در هم فرو می روند و لباسی شبیه می پوشند.
آنجاست که باید حقیقت را خوب بشناسی تا اسیر باطل نشوی ...

حق و باطل را نمی توان با شخصیت ها شناخت ...

اما روزی می رسد که باید اصحاب حقیقت را بشناسی و یارشان باشی ...
و به اذن خدا آن روز نزدیک است ...

پس حق را خوب بشناس تا حواریون حقیقت را دریابی ...
اینجا چشمه روشنایی است ...

نوری برای زندگی این جهان و آخرت نویسند و شما ... !

تقدیم به زحمات بی وقفه پدرم

که در مسیر زندگی همواره یار و یاورم می باشد.

بهادر رضائی

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۴	نوروز آغاز بهار
۱۵	زیبایی بهار و طبیعت
۱۷	هفت سین نوروزی
۲۱	گزینه‌های هفت سین
۲۲	شناسایی عدد هفت
۲۴	جایگاه ویژه عدد هفت در نزد شاعران ایران زمین
۲۶	موارد کاربردی و مطالب مختلف عدد هفت
۳۱	عدد هفت و محل سکونت ایرانیان
۳۱	رهنمون (سخنان بزرگان)
۳۲	هفت در قلمرو ادبیات پارسی
۳۵	عدد هفت در مکتب اسلام
۳۹	عدد هفت در مسیحیت
۴۰	عدد هفت در دین زرتشتی
۴۱	عدد هفت در مکتب یهود

۴۳	هفتمین روز هفته در تورات	۴۳
۴۵	عدد هفت در سایر ادیان و اساطیر	۴۵
۴۶	عدد هفت در خوشنویسی	۴۶
۴۷	هفت خال	۴۷
۴۸	هفت اجرام یا هفت سیاره	۴۸
۵۱	هفت وادی سلوک	۵۱
۵۳	خصلت‌های پسندیده	۵۳
۵۴	درسی برای زندگی بهتر	۵۴
۵۵	غزلی از حافظ	۵۵
۵۶	جامی و هفت اورنگ	۵۶
۶۱	دوستی و مهربانی در نوروز	۶۱
۶۴	کمک به هم‌نوعان در مراسم نوروز	۶۴
۶۵	شناخت برخی خصوصیات آدمی	۶۵
۶۸	اثرات زمان و مکان بر روابط بین فرزندان و والدین	۶۸
۷۰	یک نکته آموزنده	۷۰
۷۱	زمانی سکوت کارساز است	۷۱
۷۲	تنهایی	۷۲
۷۴	یک نکته سودمند	۷۴
۷۵	سلام، سلامتی و تندرستی یک شیوه‌ی تربیتی	۷۵
۷۷	فهرست منابع	۷۷
۷۹	معانی برخی کلمات و واژه‌ها	۷۹

مقدمه

مطالب گردآوری شده در این مجموعه صرفاً در رابطه با ایام نوروز، زمان تحویل سال نو، دید و بازدیدها، سیزده بدر، هفت سین نوروزی، سفره‌ی هفت سین، احترام به پدر و مادر، روابط صمیمی و دلنشین بین افراد فامیل، برطرف نمودن کدورت‌های کهنه و قدیمی، محبت بزرگترها به کوچکترها و بالعکس احترام کوچکترها به بزرگتر از خودشان، و در نهایت با پیاده کردن صفات نیک انسانی و اسلامی در برخورد و روابط با سایر افراد و همچنین دوست داشتن طبیعت و محیط زیست و اهدافی که در نهاد این مراسم زیبا و دوست داشتنی جا خوش کرده است مانند میثاق و تجدید دیدار خانواده‌های ایرانی با هم که از بطن تاریخ پارسی و پارسی زبانان تاریخ کهن این مرز و بوم سرچشمه گرفته تا به نسل امروز با عنوان میراث نیاکان رسیده است پاسدار و نگهبان باشیم.

در این میان با معرفی برخی اعداد مانند هفت، و راز و رمز آن و جایگاه ویژه اش در میان سایر اعداد و قرار گرفتن در سین و سفره‌ی نوروزی ما ایرانیان به ارزش و حرمت و قداست آن در طول تاریخ از دیدگاه محققین، صاحب نظران، شاعران و بزرگان پی می‌بریم.

پس باید به عنوان محافظت از فرهنگ و آرمان‌های اجدادمان و حراست از این آداب و رسوم چندین هزارساله با تلاش هر چه بیشتر بتوانیم انتقال دهنده‌ی خوبی‌ها، مهربانی‌ها و نیکی‌ها و آداب و رسوم این سنت‌ها، به نسل‌های بعد از خود باشیم با اعتقاد بر اینکه:

هر سفر هزار فرسنگی هم با یک گام برداشتن آغاز می‌گردد پس اگر زنده هستیم و خواهان زندگی شیرین تر و بهتر، باید قدم‌ها را برداریم و حرکت کنیم، جنب و جوش داشته باشیم، شادی کنیم و شادی بخش باشیم، جشن و سرور به پا کنیم و به سوی تکامل و پیشرفت و هدف‌های معین با نیت و پاکدلی پیش برویم و از نعمت‌های فراوان خداوند بزرگ به نحو مطلوب بهره مند گردیم و شکرگذار باشیم تا به مقصود نایل آییم و از هیچ تلاش و کوششی در این راه غافل نشویم که:

کار و تلاش، انسان را از سه عیب بزرگ مانند: افسردگی، دزدی و نیازمندی برحذر می‌دارد. لذا با استفاده از تجربیات گذشتگان و با همت مردانه خود و فعالیت‌های مستمر و با امید به فردایی روشن با گام‌های متین و استوار نشان بدهیم که وجود داریم و ماندگار هستیم هر چند راه طولانی و پر نشیب و فراز باشد و یا زمانه برای دلسرد کردن و ناامید نمودن، علم بی‌مهری برافراشته و ساز ناسازگاری را کوک کند. برای شادی و خدمت به هم نوع کوشا باشیم زیرا که:

جهان شود لب پر خنده‌ای اگر مردم کنند دست یکی در گره‌گشایی هم
همانا تمامی هم و غم ما بر همین است تا به یاری ایزد یکتا و تشویق دوستان بتوانیم از عهده‌ی
این مهم بر آییم و یادآور این ابیات زیبا باشیم : انشاءالله.

سال وفال و مال و حال و اصل و نسل تخت و بخت بادت اندر شهر یاری برقرار و بادوام
سال خرم فال نیکو مال و افر حال خوش اصل ثابت نسل باقی تخت عالی بخت رام

در ضمن از یگانه آفریننده جهان و ایجاد کننده فصول سال و گرداننده شب و روز خواهانیم تا دلها را به هم نزدیکتر و غم‌ها را از یکدیگر دورتر و دعا و نیایش را ورد زبانمان قرار دهد که دعا کلید خوشبختی و رستگاری است همانند دعایی که در زمان تحویل سال نو از دلها بر می‌آید و بر لبها می‌نشیند و بر زبان جاری می‌شود که:

یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار
یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال

یا مقلب قلب ما در دست توست یا محول حال ما سرمست توست
کن تو تدبیری که در لیل و نهار حال و قلب ما شود همچون بهار

اینک با زبانی گویا و قلبی مطمئن با هم می‌گوییم:

رب یسر و لا تعسر. سهل علینا یا رب العالمین. زیرا که امام صادق علیه السلام فرموده است: علیکم بالدعاء فانکم لا تقربون بمثله. بر شما باد به دعا کردن که با هیچ وسیله‌ای به اندازه دعا به خدا نزدیک نمی‌شوید.

بی تردید هدف آدمی، سعادت‌مند شدن و بهتر زیستن است و در این راستا به کسب تجربه و

انجام آزمایش و تحقیق دست می‌زند و این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه هنر استفاده از اندوخته‌ی گذشتگان را در خود بپروراند و آن را به عنوان چراغی روشن و پرنور فراروی خود قرار دهد تا مسیرش را روشن و مشخص گرداند و دسترسی به اهداف را برایش امکان پذیر سازد:

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی

سنت‌ها، فرهنگ‌ها و باورها در تمدن‌های گذشته انسان همواره جزء جدایی ناپذیر زندگی آنان بوده است که سینه به سینه از نسلی به نسل بعدی انتقال یافته و در این میان اعداد نیز به واسطه‌ی تاثیر گذاریشان بر آداب و سنن زندگی جوامع مختلف، جایگاهی بس مهم داشته و از گذشته‌های دور تا کنون و در اکثر ادوار تاریخ، رمز و راز آنها بر همگان بسیار جذاب، قابل تامل و بحث برانگیز بوده است. حتی در قرآن مجید هم به لحاظ تعداد و تکرار اعداد، در اذکار خاص راز و رمزهای گوناگونی آشکار شده و این موضوع در ادیان دیگر نیز جایگاهی خاص دارد، به طوری که عده‌ای از مردم برخی اعداد را شوم یا مقدس و اعدادی را باعث خوش شانسی می‌دانند و این باعث کارهای متفاوتی در برخورد و استفاده از آنها گردیده است و یکی از این اعداد مشهور و مقدس و جادویی عدد پر رمز و راز هفت می‌باشد که به کاربرد آن اشاره می‌گردد.

با تفاسیر اخیر مشاهده می‌گردد که بسیاری از اعداد در جوامع و ادیان گوناگون جایگاه خاصی دارند اما گاهی این بحث به صورت افراط آمیز و غیر معقول و چالش زا بوده است. به هر حال، تعداد و تکرار در اعداد و پابندی به آنها به جهت نظم و ترتیب یا دلایل دیگری بوده اما خود اعداد ذاتاً نمی‌توانند باعث بروز مشکل گردند و مسائل اصلی را می‌توان ورود خرافات در آنها دانست که جوامع انسانی را دستخوش چالش‌های زیادی در طول تاریخ نموده است که رعایت جانب اعتدال در تمام زمینه‌ها، جوامع و اجتماعات بشری را از ورود خرافات در تمام شئون زندگی در امان خواهد داشت. در بخش نمادین فرهنگ‌های مختلف جهان مجموعه‌ای از نمادهای رنگی، عددی، نجومی و ... در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و به آفرینش ادبی آن ساختاری جذاب و گاه با مفاهیم بلند عرفانی بخشیده اند از آن میان عدد هفت که پایه‌ای اسطوره‌ای و مقدس دارد.

شایسته است امروز نیز برای زنده نگه داشتن این باور کهن و ملی ایرانی در هر چه بیشتر استفاده کردن از این عدد پر رمز و راز کوشا باشیم. برای مثال بسیار پسندیده است که زندگی جوانان ایران زمین بر پایه عدد ورجاوند (مهریه، شادی، هفت پیمان و ...) آغاز گردد تا هزاران سال شکوه و تمدن و تقدس آسمانی آن در زندگی جوانان اثرات هر چه بهتر بگذارد و پایه‌های زندگی

زناشویی را در بین آنان مستحکم تر و ایرانی تر گرداند. چنانچه در همین چند دهه گذشته در این کشور، آغاز زندگی جوانان به احترام این عدد مقدس که نیاکان به آن ایمان داشتند، هفت شبانه روز جشن و پایکوبی بر پا می شده است. برای نمونه می توان یک بدعت گذاری جدیدی را در میان فرزندان ایرانی پایه گذاری کرد که از همین مهر و فرهنگ غنی ایرانی سرچشمه گرفته است. مثل:

هفت پیمان برای دختران و پسران ایرانی پیش از ازدواج که عبارتند از:

۱. پرهیز از دروغ ۲. حفظ احترام متقابل میان طرفین ۳. احترام به جایگاه پدر و مادر نزد زن و مرد ۴. مهر و وفاداری به میهن عزیزمان ایران در همه شرایط زندگی ۵. سوگند به اجرای کردار نیک، گفتار نیک و پندار نیک ایرانی ۶. سوگند به حرکت در مسیر راستی و درستی در زناشویی ۷. تلاش و کوشش برای پیشرفت مادی و معنوی خانواده در زندگی زناشویی.

با این وصف وقتی دوران جوانی و نشاط به همراه سنت کهن ایرانی با فرا رسیدن نوروز و در آغاز فصل بهار و طراوت و سرسبزی طبیعت و دشت و دمن و باورها و اعتقادات در این مرز و بوم همگی دست به دست هم بدهند و با شناسایی مشکلات زندگی سعی در برطرف کردن آنها بنمایند، دارای روحیه ای بشاش، جسمی سالم و نیرومند، خستگی ناپذیر، عزم و اراده قوی به تشکیل خانواده و پیوند مقدس ازدواج و زناشویی اقدام می کنند و زندگی رو به تکامل و پیشرفت شیرین و لذت بخش می گردد و آن زمان می بایست بپذیریم که از این شعر غزلیات شمس تبریزی به نحو مطلوب بهره گیری شده است که می فرمایند:

آب زنید راه را هین که نگار می رسد مژده دهید باغ را بوی بهار می رسد
راه دهید یار را آن مه ده چهار را کز رخ نوربخش او نور نثار می رسد

در اینجا لازم است با ذکر جمله ای از معلم شهید دکتر علی شریعتی بر مطالب این قسمت مهر تاییدی زده شود که فرموده است:

«خدایا، به هر که دوست می داری بیاموز که عشق از زندگی کردن بهتر است و به هر که دوست تر می داری بچشان که دوست داشتن، از عشق برتر است.»

«روحش قرین رحمت و یادش گرامی باد»

در پایان این مبحث لازم است با ذکر مناجات حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام برای حفظ سلامتی و تندرستی جوانان این مرز و بوم و موفقیت آنها در زندگی دست به دامن حضرتش و متوسل به اهل بیت علیه السلام باشیم:

مناجات

بسم الله الرحمن الرحيم

الهی بااخص صفاتک و باعظم اسمائک و بعصمه انبیائک و بنور اولیائک و به مناجات فقرائک و بدعاء صلحائک و بدماء شهدائک.

الهی اسئلك زیاده فی العلم و صحتاً فی الجسم و طولاً فی العمر و برکه فی الرزق و توبه قبل الموت و راحه عند الموت و مغفره بعد الموت و نجاه من النار و دخولاً فی الجنه و عافیه فی الدنيا و الاخره انک علی کل شی قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین.

اللهم یا معدن الجود و الكرم و یا خالق اللوح و القلم و یا جاعل النور و الظلم بحرمة الكعبه و الحرم و المقام و الزمزم نجانم کل هم و غم به حرمه محمد (ص) سید العرب و العجم یا اجود الاجودین برحمتک یا ارحم الراحمین.

نکته سودمند

هر فردی عبارت از کتاب، قومش، جامعه اش، ملتش، منطقه و اقلیمش می باشد. فرق من و حیوان و ... در ماهیت من است زرتشت در ۲۶۰۰ سال پیش که در تاریخ من ظهور کرد، در ساختمان من تاثیر مستقیم گذارد. پس در حقیقت، من وجودی بی ماهیت بودم که ماهیت من در طول تاریخ من شکل گرفته و به تعبیر ساده تر عمر حقیقی هر فرد عبارت است از تاریخ او. هر کس به اندازه‌ی گذشته اش زیسته است.

«معلم شهید، دکتر علی شریعتی»

نوروز آغاز بهار

در بهار، طبیعت بیداری، به خواب زمستانی نهیب می‌زند تا بیدار گردد زیرا که بیداری پیروز خواهد شد. سردار و فرمانده بیداری خورشید است و لشکرش سپیده دم، آنگاه که بهار سرود آمدن خود را سر می‌دهد، مردگان زمستان بر می‌خیزند. کفن از خود دور می‌کنند، به پیش می‌تازند تا زندگی و حیات آغاز کنند و در این راه سرشت انسان ذاتاً خوب است و بیدار. دشواری‌های مسیر او از اینجا ناشی می‌شود که هنوز تعارض‌های اساسی زندگی را به جا نیاورده و ماهیت کار و نظام زندگی را چنان که باید دگرگون نکرده است. انسان هزار گونه خوب است، لیکن آنگاه که خوب نیست، بد هم نیست. همواره به انسان گفته اند که کار لعنت است و زحمت نکبت، اما انسان با کار و تلاش خود، دورترین رویای زمین را تعبیر می‌کند و این قرعه ای است که به هنگام زایش آن رویا به نام انسان زده اند و نباید گذاشت دارندگان دستان ناباور که کلام خودشان را در برابر کار می‌فروشند، در داد و ستد شریک شوند و ارزش کار را از بین ببرند. کار شادی ایجاد می‌کند و در کنار شادی، غم و اندوه هم وجود دارد چون که شادی و اندوه از یکدیگر جدا نیستند و هرگاه ما با یکی از آنها بر سفره‌ی زندگی می‌نشینیم دیگری در کنار ما آرمیده است. با این حال ما هنوز به سر انجام خود نرسیده ایم بلکه در آغاز راه و در مسیر تکامل هستیم و دیر یا زود به نور روشنایی خواهیم رسید.

آرزو می‌کنیم ای کاش دره‌ها و تنگه‌ها، کوی و برزن ما بودند و راه‌های سبز، کوچه پس کوچه‌های ما تا یکدیگر را در تاکستان‌ها می‌جستیم و با دامن‌های آکنده از عطر خاک می‌آمدیم، اما این کار هنوز میسر نیست بلکه باید از کار کردن لذت برد، از زندگی لذت برد چون که لذت ترانه‌ی آزادی است اما خود آزادی نیست. لذت شکفتن خواهش‌های ماست اما میوه‌ی آنها نیست. ژرفایی است که بلند را فرا می‌خواند لیکن خود نه ژرف است و نه بلند. لذت در قفس مانده است که به پرواز در آید اما فضا فرو بسته نیست. آری لذت به راستی ترانه‌ی آزادیست که باید آن را از ته دل سرود به طوری که این سرودن باعث باختن دل ما نگردد.

برخی از جوانان لذت را چنان می‌جویند که گویی همه چیز همان لذت است و ما درباره‌ی آن نسبت به جوانان حکم صادر می‌کنیم و یا مورد مؤاخذه قرارشان می‌دهیم در صورتی که می‌بایست آنان را به جستجو و تحقیق وادار کنیم تا لذت را دریابند مانند آن شخصی که زمین را به دنبال ریشه می‌کند و سرانجام به گنج می‌رسد.

برخی از پیران لذت را با تاسف به یاد می‌آورند همچون خطایی که در حالت مستی از آنها سر زده باشد. زیرا که پشیمانی ابر آلود کردن روح است نه ادب کردن آن. آنها باید لذت‌های خود را

با سپاس و تشکر به یاد بیاورند چنانکه برداشت محصول تابستان را به یاد می‌آورند، اما پشیمانی برای پیران آسایشی در بر دارد پس چه بهتر که به آسایش بپردازند و اظهار تاسف و غمگینی نکنند.

در این میان کسانی هم هستند که نه چندان جوان اند که به تحقیق و جستجو بپردازند و نه چندان پیر که تنها به یاد و خاطره بسنده کنند و از بیم جستن و به یاد آوردن از هر گونه لذتی کناره می‌گیرند تا مبدا از روح غافل شوند و یا آن را بیازارند زیرا که به اعتقاد آنها ترک لذت، خود لذت آنهاست و از این طریق گنج خود را می‌یابند گرچه با دست‌های لرزان در پی ریشه باشند.

نتیجه اینکه؛ اگر از خود بپرسیم که چگونه در لذت، آنچه را خوب است از آنچه خوب نیست باز شناسیم؟ باید گفت: به کشتزارها و باغها بروید تا ببینید لذت زنبور در این است که شیرهی گلها را جمع آوری کند و لذت گل هم در این است که انگبین خود را به زنبور بدهد. چون برای زنبور، گل سرچشمه زندگی است و از برای گل، زنبور پیک مهر است و از برای هر دو زنبور و گل دادن و گرفتن لذت و خوشی نیاز آنان می‌باشد.

من بنده‌ی آن کسم که شوقی دارد بر گردن دل ز عشق طوقی دارد
تو لذت عشق و عاشقی کی دانی این باده کسی خورد که ذوقی دارد

« لسان الغیب خواجه شیراز »

جشن جهانی نوروز

مردم چه کشورهایی نوروز را گرامی می‌دارند و جشن می‌گیرند.

افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، آلبانی، ترکمنستان، آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان و کشور عزیزمان ایران که نوروز مختص ایرانیان است. یونسکو می‌گوید: امروزه بیش از سیصد میلیون نفر در جهان سنت باستانی نوروز را جشن می‌گیرند. آئینی که قدمتی بیش از دو هزار ساله دارد.

زیبایی بهار و طبیعت

یکی دیگر از عوامل حیات و زندگی، زیبایی است. طبیعت در بهار علاوه بر زندگی و زاینده‌گی به دنبال زیبایی نیز می‌گردد و انسان‌ها هم زیبایی را دوست دارند و آن را از طبیعت الهام می‌گیرند چون که خداوند بزرگ و خالق طبیعت، زیباست و زیبایی را دوست دارد و انسان هم خلیفه الله و نماینده خدا بر زمین است به دنبال پاکیزگی و تمیزی می‌گردد تا آن را زیبا ببیند اما چگونه؟